

## تروریستی که به صحیح بودن کار خود یقین دارد آیا در نزد خداوند معذور است؟

حیدر حب الله

ترجمه: محمد رضا ملانی

سؤال<sup>1</sup>: حکم کسی که قطع و یقین به صحیح بودن کاری دارد در حالی که آن عمل، مخالف حکم واقعی خداوند است چیست؟ مثلاً تروریستی که قطع دارد آنچه انجام می‌دهد صحیح و صواب است آیا در مقابل خداوند متعال، معذور است؟

پاسخ:

1. اگر قطع و یقینی که بر اساس آن، شخص قاطع شروع به انجام کاری می‌کند، مَوْجّه بوده و از داده‌ها و اطلاعات روشمند و منطقی به دست آمده باشد این چنین قطعی، حجت است – حتی اگر خطا باشد – و می‌توان بر اساس آن در پیشگاه خداوند، عذر آورد. دقیقاً همچون فقیهی که در احکام حدود و قصاص، در موارد مختلفی فتوی به قتل می‌دهد و بعد از مدتی برای وی کشف می‌شود که قطع او به حکم ظاهری یا حکم واقعی، صحیح نبوده است؛ این چنین فقیهی، در پیشگاه خداوند معذور است البته در صورتی که در بررسی مقدمات بحث خویش، بین خود و خداوند، کوتاهی نکرده و یا نفس او بر سر یک نتیجه‌ی معین که دلیل قانع کننده‌ای هم ندارد و حجت نمی‌باشد با او به منازعه برنخواسته باشد. علی رغم اینکه وی معذور است امکان دارد فتاوی او به قتل تعداد زیادی از مردم بیانجامد. همین وضعیت در مورد مقلدین چنین فقیهی نیز وجود دارد که به فتاوی وی عمل کردند؛ همان فتاوی‌ایی که از منظر آن فقیه، در شرع خداوند بر مکلفین و مقلدین، حجت بود.

همین حالت در باره‌ی قاضی نیز وجود دارد. وی احکام جزایی و جنایی و مدنی و ... بسیاری صادر می‌کند و چه بسا پنجاه درصد آنها با واقع منطبق نبوده و وی هم متوجه این موضوع نباشد و این اتفاق باعث گردد به بسیاری از مردم ظلم شود و یا حتی تعدادی از اشخاص، به دلیل احکام اشتباه او اعدام گردند؛ او تا زمانی که کوتاهی نکرده باشد معذور است. البته اثبات کوتاهی او، نیازمند دلایلی است که بررسی آنها در نزد دستگاه‌های قضایی مربوط به بازرسی و محاسبه صورت می‌گیرد ولی پی بردن به کوتاهی و تقصیر او برای خداوند متعال، نیازمند چنین دلایلی نیست زیرا که وی اعلم و آگاه تر به همه چیز است و هر انسانی بر نفس خویش آگاهی کامل دارد. 2. گاهی معذور بودن انسان قاطع را هنگامی که قطع وی منجر به قتل انسان دیگری شود غریب می‌شماریم؛ ولی چنین چیزی، امر ممکن است و می‌تواند واقعیت داشته باشد. شما گاهی، یک نفر

<sup>1</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع 4: سوال: 549.

را در حالتی مشاهده می‌کنید که شک ندارید قصد قتل شما را کرده است و به همین دلیل، مبادرت به زدن او می‌کنید تا از خود دفاع نمایید و در این میان، آن شخص را می‌کشید. بعداً مشخص می‌شود که وی اصلاً قصد کشتن شما را نداشت. شما در اینجا در پیشگاه خداوند متعال، معذور هستید هر چند یک نفر را بی‌گناه کشته‌اید و هر چند اولاد وی را یتیم نموده‌اید. ولی آنچه در معذور بودن شما مهم می‌باشد این است که شما مرتکب تقصیر و کوتاهی در مقدمات کار خویش نشده‌اید و این چیزی است که خداوند آن را می‌داند و خود شما هم با مراجعه به نفس خویش، به صورت صادقانه و شفاف، آن را وجدان می‌کنید.

3. ولی همان خطایی که باعث معذوریت شما شده مانع از اجرای آثار قانونی آن عمل، نمی‌شود. مثلاً فرض کنید شما شخصی را از روی خطا و اشتباه، در حال رانندگی به قتل برسانید در حالی که در شب تاریک، مقتول را نمی‌دیدید و تقصیری هم در این قتل نداشتید؛ در چنین حالتی، هر چند شما معذور هستید ولی از نظر شرعی باید دیه‌ی مقتول را به بازماندگان وی بدهید. همچنین اگر شیشه‌ای را که از آن دیگری است در حالت خواب بشکنید باید عوض آن را پرداخت نمایید. مثال‌های دیگری هم وجود دارد که زیاد است و این، مسأله‌ی دیگری است که باید به آن توجه کرد.

4. این وقایع، مختص به شئون دینی نیست و فقط اهل ادیان، مبتلی به آنها نیستند. گاهی وقتها از منصب قضاوت و نیز سلطه‌ی سیاسی، خطاهایی صادر می‌شود - بدون آنکه متوجه باشند - و باعث متضرر شدن دیگران می‌شوند. همچنین نمایندگان مجلس گاهی وقتها قوانینی را وضع می‌کنند و می‌پندارند که به نفع و مصلحت مردم می‌باشد در حالی که همین قانون، باعث بروز مشکلات زیادی برای مردم می‌گردد و بعد از گذشت چندین سال، کشف می‌شود که قانون اشتباهی بوده است. گاهی وقتها این نمایندگان، معذور هستند و البته اگر در مسیر جعل آن قانون، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و موضوع مورد بحث را به دقت، تحلیل و ارزیابی نکرده باشند معذور نیستند. این وضعیت برای مهندسی که تصمیم به احداث یک سد برای آبها می‌کند نیز اتفاق می‌افتد؛ مثلاً اگر بدون اینکه کوتاهی کرده باشد مرتکب خطایی گردد و سد بشکند و انسان‌های زیادی بمیرند در این حالت، مهندس محکوم به اعدام نخواهد شد و حتی مجرم هم نخواهد بود البته در صورتی که ثابت شود در انجام کارهایی که به وی واگذار شده بود کوتاهی نکرده است و خطایی که سر زده، به کوتاهی و تقصیر او بر نمی‌گردد. همین حالت برای پزشک و ... نیز پیش می‌آید. لذا این قضیه، یک موضوع فقط دینی نیست.

5. اما تطبیق این مفاهیم بر تروریست‌ها، مسأله‌ای است که به صورت قطعی نمی‌توانم در مورد آن سخن بگویم؛ زیرا من از درون این اشخاص و وضعیت‌ها و حالات هر کدام از آنها، خبر ندارم. لازم است موضوع را در حالتی تطبیقی مورد بررسی قرار دهیم و سپس برای این حالات، حکم صادر کنیم. ولی علی‌رغم معذور بودن کسی که از روی اشتباه و خطا می‌خواهد - مثلاً - من را به قتل رساند من نیز حق دارم در مقام دفاع از خود او را بکشم. احکام دنیوی و قانونی، گاهی وقتها با احکام معذور بودن در آخرت متفاوت است. اگر شخصی به این گمان که من قاتل هستم یا می‌خواهم وی را بکشم اقدام به قتل من کند من می‌توانم در این حالت از خود دفاع کنم حتی اگر منجر به قتل طرف مقابل شود؛ در این حالت، هم من معذور هستم و هم او. لذا از نظر اصولی، گاهی وقتها عذر وجود دارد ولی تطبیق این معذور بودن، بر این گروه یا آن گروه یا آن شخص و

این شخص، تفصیلات متعددی دارد که نیاز به بحث و دقت می‌باشد. فرقی هم نمی‌کند که دو طرف نزاع، از یک مذهب باشند و یا از دو مذهب و یا از دو دین. این همان قاعده‌ای است که فقه اسلامی و نیز علم کلام در این رابطه ارائه می‌کند.

گاهی وقتها هر دو طرف نزاع، معذور هستند ولی طرف سومی هم وجود دارد که مسئول این نزاع می‌باشد و مسئولیت گمراه کردن یک طرف یا همه‌ی اطراف – بدون آنکه بفهمند – متوجه اوست. اگر شاهد در دادگاه به دروغ بگوید زید را دیده که عمرو را به قتل رسانده است در این حالت، قاضی در حکمی که ارائه می‌دهد معذور است دقیقاً مانند زید که اصلاً مرتکب جرمی نشده است؛ در حالی که آن طرف سوم – یعنی شاهد دروغگو – مرتکب جرم شده است. بسیاری از اوقات، معذوریت دو طرف نزاع، به شخص سومی برمی‌گردد که مقصر است و این دو را به گمراهی انداخته و موجب شده یکی از این دو یا هر دو طرف، مرتکب خطا و اشتباه شوند. باید به این نکته نیز توجه کرد. لذا اینگونه نیست که هر گاه بگوییم فلانی معذور است پس هیچ‌کسی در این بین اصلاً مرتکب جرمی نشده است.